■ سال بیست‌وهشتم ■ شماره ۷۸۵۹ ■ شنبه ■ ۷ اسفند ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۱۷ | اذان مغرب ۱۸/۱۵ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۵ | اذان صبح فردا ۵/۱۴ | طلوع آفتاب فردا ۶/۳۷

سخن روز

پیامبر اکرم (ص):
هیچ حیله‌گر و خیانت‌کاری به بهشت نمی‌رود.

کنزالعمال: ۴۳۷۷۷

در مقابل تلویزیون گارد ندارم

فرهاد آییش: با حضورم ثابت کردم که در مقابل تلویزیون گارد ندارم اما یک بازیگر نیاز دارد تا بخش‌های مختلف احساسی و درون خودش را تجربه کند و چالش داشته باشد. من تا به امروز بیشترین گرایشم در سینما و تلویزیون کمدی بوده، حتی در تئاتر هم که به‌عنوان نویسنده و کارگردان همکاری داشتم همیشه یک نوع طنز و نمکی در کارهایم دیده می‌شد. باید بگویم زندگی شخصی‌ام هم سرشار از لبخند و خنده است ولی به هر حال انسان نیاز دارد بخش‌های تاریک‌تر، تراژدی‌تر و غم انگیزتر وجود خودش را هم تجربه کند. درحال حاضر در یکی دو سال گذشته کمی بیشتر به کارهای غیرکمدی گرایش داشتم و دلیلش هم فقط درونی نیست. دلیل اصلی‌اش نیاز شخصی خودم است و از طرفی هم فکر می‌کنم وقتی یک بازیگر بیش از حد معمول در کارهای کمدی باشد، در ذهن تماشاگر و همین‌طور کارگردان و تهیه‌کنندگان نیز دچار کلیشه می‌شود و این می‌تواند برای یک بازیگر و ادامه کارش خطرناک باشد. فعلاً به میل خودم در آثار جدی‌تر کار می‌کنم اما اگر پیشنهادهای خوب کمدی داشته باشم حتماً قبول می‌کنم.

بخشی از صحبت‌های این کارگردان و بازیگر با خبرگزاری ایسنا

مگر چه عیب دارد که انسان، حتی در ۸۰ سالگی هم الک دولک بازی کند، و گرگم به هوا، و قایم باشک، و اَکردوکِر، و تاق یا جفت، و «نان بیار کباب ببر» و «اتل متل»... جداً مگر چه عیب دارد؟

چهل نامه کوتاه به همسرم
نوشته نادر ابراهیمی

نـــگاره
کیان رادپویان

سالانه نزدیک به ۶۰ هزار نفر به علت عوارض سیگار در ایران فوت می‌کنند.

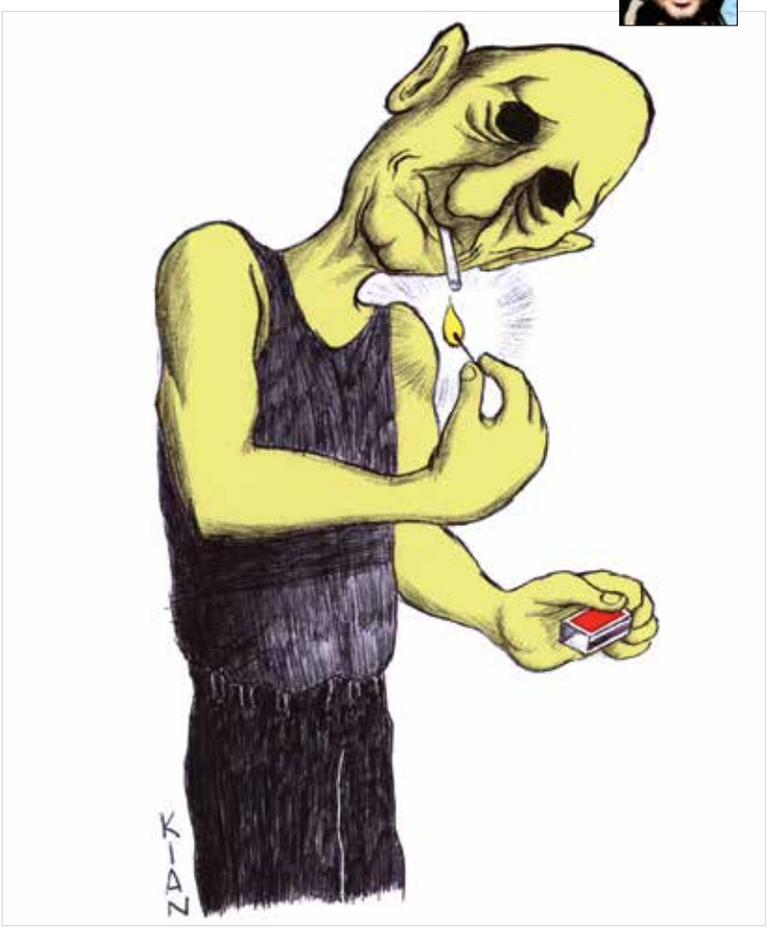

احیای آداب و رسوم اقوام ایرانی؛ احترام به فرهنگ و هنر ایران اسلامی

یادداشت

مهدی توکلیان
عکاس و روزنامه‌نگار

بهار بهانه مناسبی برای بها دادن به اهل فرهنگ و هنر و رسانه است هرچند فصل‌ها با همه زیبایی‌هایشان تغییراتی در طبیعت به‌وجود می‌آورند اما شاید تغییر رنگ‌ها و آب و هوای زیست بوم انسان‌ها در ارائه آثاری هنرمندانه و خلاق تأثیرگذار باشد. آیین‌های سنتی اقوام ایرانی نیز در مناسبت‌های مختلف سال حال و هوای خاصی را در همان منطقه به یادگار می‌گذارند و بر وجود موضوعات مهمی چون نوروز و ایام آغازین بهار آداب و رسوم مردم همان منطقه و محل زندگی بار دیگر احیا می‌شود و احیا کردن و زنده نگه‌داشتن مناسبت‌ها و آیین‌های سنتی نشان از احترامی است که مردم ایران اسلامی به آیین‌های مذهبی و دینی خود داشته و دارند و همواره می‌کوشند با زنده نگه‌داشتن هردو موضوع به پاسداری از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی ایران اسلامی بپردازند.

در طول تاریخ ایران همواره «آیین‌ها و سنت ها» یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های آموزش فرهنگ و سنن و مذهب و تجمع در میان مردم بوده است؛ اجتماعی که علاوه بر تحکیم بنیان باورهای مذهبی و اعتقادی، نقش مهمی در آموزش و هدایت مردم ایران زمین، در حوزه‌های مختلف به‌عهده داشته است. همچنین در کنار نقش‌آفرینی اعتقادی و آموزشی، باید از ابعاد تأثیرگذار آیین‌ها در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در تاریخ اقوام ایرانی نام برد.

متأسفانه در سالیان اخیر شاهد آن هستیم که نقوش ذی ابعاد این اجتماعات مردم محور به حدی کاهش یافته که حتی ارضای مخاطبین در حوزه‌های معنوی نیز، به خوبی صورت نمی‌گیرد و از این روست که اقبال مردم بجز در ایام مناسبت‌های خاص ملی و مذهبی، به این رویدادها کاهش چشم‌گیری داشته است. هرچند جامعه مدرن امروز تحت تأثیر فناوری‌های نوین، جهانی شدن و تأثیرات جامعه اطلاعاتی، به شبکه‌ای پیچیده تبدیل شده که ویژگی بارز آن ارتباط عمیق و گسترده عناصر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با یکدیگر است؛ اما بر اساس بی‌توجهی به آداب و سنن بومی و منطقه‌ای شعار محلی زندگی کردن و جهانی اندیشیدن نیز در نسل پویا و جدید ایران اسلامی کمتر تحقق یافته است و عدم تبیین و یا تبیین ناقص حقیقت اقوام ایرانی، باعث کاهش فاصله بین نسلی و در نهایت گسست بین نسلی شده است و لذا به‌راحتی می‌توان تصویری نوین از جنگ و منازعه مدرن جهان را در بین مردم مختلف مشاهده کرد جنگی که در آن ابعاد و مؤلفه‌های نرم‌افزاری بر شاخص‌های سخت‌افزاری غلبه دارد. در این میان هنرمندان و اهل فرهنگ و رسانه موقعیتی متمایز دارند. دلیل این امر به ماهیت جوامع نوین و ویژگی‌های آن باز می‌گردد. در جامعه جهانی حاضر به دلیل تلفیق فرهنگ‌ها، نمادها و نشانه‌ها به تدریج معنای اصلی خود را از دست داده و بیشتر به سمت یکسان‌سازی می‌روند. این امر باعث تقلید در ارزشها، رفتارها و سایر امور فرهنگ‌ساز و زنگ خطری برای فرهنگ‌های ضعیف و جوامع بی‌سواد از لحاظ سواد اطلاعاتی و فرهنگی است.و موضوع مهمی چون ورود افراد و گروه‌های فرهنگ ساز در جامعه ایرانی که به لحاظ تنوع و تکثر اقوام ایرانی و فرهنگ‌های بومی وآیین‌های سنتی از جوامع سرآمد جهانی به حساب می‌آیند بعید به ذهن می‌رسد و به‌راحتی می‌توان ضرورت توجه به آیین‌ها را مشاهده کرد و با بیان جهادی و تبیین روشنگرانه خصوصیات فرهنگی و هنری ریشه دار این سرزمین اصیل، به جنگ با معانی، نشانه‌ها، رسانه‌ها و فرقه‌های انحرافی وارداتی رفت و بر احیای ارزش‌ها، آداب و رسوم اقوام ایرانی همت گماشت تا وجود شبکه‌های اجتماعی واقعی و مجازی نتواند در قالب‌های مختلفی از قبیل صدا، تصویر، نرم‌افزار، بازی و... خودی نشان داده و فرهنگ بی‌هویت غرب و ضد ایرانی و اسلامی را به مردم ایران اسلامی القا کنند و بیان واضح و آشکار از عملیات استحاله فرهنگی ایرانیان، که بر عهده رسانه‌های تصویری فارسی زبان گذاشته شده است و پیکان حملات خود را بر مفاهیم اسلام، ایران، نظام اسلامی، رهبران و مردم استوار کرده‌اند از بین برود و با زنده نگه‌داشتن آیین‌ها و آداب و رسوم سنتی و آیین‌های اقوام ایرانی و معرفی این فرهنگ و میراث معنوی از انجام هرگونه تغییر رفتار و باورهای ایرانیان و نیز ایجاد نگرش منفی مردم جهان نسبت به ملت ایران در قالب پروژه «ایران هراسی» کاست و دشمنان را در رسیدن به اهداف شوم خود ناکام گذاشت.

خروج از کلیشه‌های زندگی/۱

فرزندان شما همه توان نیستند!

یک فنجان چای

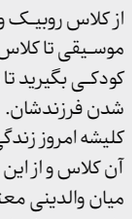

آزاده سهرابی
روانشناس

تردیدی نیست که هر روزگاری تحمیل‌های فرهنگی خود را به انسان‌های یک جامعه خواهد داشت. یک مثال واضحش تحمیل روزگار معاصر برای والدین ایرانی است که گویی قرار است فرزندانشان را جوری بار بیاورند و رشد و پرورش دهند که تمام آنچه خود به آن نرسیده‌اند را جبران کنند. خصوصاً اگر فرزندشان، تک فرزند هم باشد.

از کلاس روبیک و چرتکه تا انواع کلاس‌های ورزشی و موسیقی تا کلاس‌های تقویتی و کلاس زبان از همان کودکی بگیرید تا تلاش پدر و مادر برای وارد دانشگاه شدن فرزندشان.

کلیشه امروز زندگی فرزندان شده است از این کلاس به آن کلاس و از این شاخه به آن شاخه پریدن. اگر در این میان والدینی معتقد باشند فرزندشان باید به‌صورت طبیعی و بر اساس نیاز درونی خودش رشد کند و هر آنچه در عمل به زندگی به سمت آن گرایش پیدا می‌کند زمینه بروز توانمندی‌هایش در آن حوزه باز شود، از سمت دیگران مورد نقد قرار می‌گیرند: یعنی تا الان فرزندت را کلاس زبان نگذاشته‌ای؟ یعنی تا الان کلاس موسیقی نرفته؟ و...

جای دیگری که این کلیشه فرزندپروری امروز خودش را نشان می‌دهد در همان دوره نوجوانی و تلاش خانواده‌ها برای فرستادن بچه‌هایشان به کلاس‌های کنکور و... برای راهی دانشگاه کردنشان است؛ حتی اگر ببینند بسیاری از تحصیلکردگان جامعه بیکار هستند اما پسر جوانی که مکانیکی را بلد است الان در سن ۲۴ سالگی ازدواج کرده و زندگی‌اش را خوب اداره می‌کند اما تحصیلات داشتن چیز دیگری است!

موضوع این کلیشه‌ها وقتی مشکل ساز می‌شود که به انبوه مشکلات روان شناختی دوره کودکی و نوجوانی می‌رسیم و می‌بینیم شمار بچه‌هایی که مشکلات اضطرابی، تیک، پرخاشگری و... دارند روز به روز نگران کننده می‌شود. بچه‌هایی که با کمال گرایی افراطی والدینشان بزرگ می‌شوند احساس می‌کنند توان به دوش کشیدن این همه توقع والدین را ندارند. اگر هم مقابل آن بایستند و واکنش داشته باشند تعارض والدین و فرزندان به یک عدم درک متقابل طولانی مدت مزمن ختم می‌شود.

تصور کنید کودکی را در ۸ سالگی که وقتی با درمانگرش تنها می‌شود به صدا در می‌آید که: من اصلاً دوست ندارم درس بخوانم. دوست ندارم کلاس نقاشی بروم. از ساز زدن متنفرم و...علائم این کودک چه بوده که والدینش او را راهی اتاق درمان کرده‌اند؛ ناخن جویدن و تحریک‌پذیری بالا! اگر عمیقاً به این کودک نگاه کنیم می‌بینیم اگر والدین او را راحت می‌گذاشتند او نسبت به بسیاری فعالیت‌ها علاقه دارد. واقعیت این است که کودکان انعطاف‌پذیری بالایی در یادگیری و حتی تحمل فشار محیط دارند اما اول اینکه همه کودکان چنین نیستند و دوم اینکه کودکی، نوجوانی و اوایل جوانی دوره‌های مهم رشدی است و تحولات روان شناختی وسیعی را افراد در پیش دارند که گره خوردن این تکالیف رشدی با انواع توقعات کلیشه‌ای والدین آنها را دچار سردرگمی می‌کند. کودکی که می‌خواهد بازی کند و در مسیر رشدی نیز بازی به او کمک فراوانی در قدم گذاشتن به مرحله بعدی زندگی می‌کند حالا باید ساعت‌ها تمرکز کند تا روش چرتکه و حل مکعب روبیک را یاد بگیرد تا به قول والدین نیمکره راست مغز او فعال‌تر شود و باز هم بنا به دید اشتباه والدین هوشش بالا برود! کلیشه همه‌توانی فرزندان در میان والدین امروزی غوغا می‌کند. گویی حاضر نیستند یکبار به توانایی‌ها، علائق و وجود فرزندشان نگاه کنند و آنچه هست را ببینند و بپذیرند. حالا نوجوانی را تصور کنید که می‌خواهد به فکر فرو برود، می‌خواهد با دوستانش ساعاتی را وقت بگذارد، می‌خواهد دنیا را کشف کند و اسیر کتاب‌های کمک درسی زیادی است که نمی‌داند برای چه دارد در قفس آنها اسیر می‌شود و همه از هر طرف به او می‌گویند: برای آینده ات!

اگر نگاهی عمیق‌تر به زندگی بیندازیم می‌بینیم چقدر خارج از این کلیشه‌ها هوا آزاد است و فرزندانمان می‌توانند انسان‌های بهتر و رشد یافته‌تری باشند. آنها را در کلیشه‌های ذهنی خودمان اسیر نکنیم.

از سینمای تنش تا سینمای آرامش

بودها و نمودها

علیرضا نراقی
منتقد

درام با تنش شکل می‌گیرد. تضاد میان دو نیرو است که داستان را پیش می‌برد و یک اثر دراماتیک را جذاب می‌کند. پس درام به مشکلات و دردهای ما بیشتر سر می‌زند تا لحظات خوب و آرامی که تجربه می‌کنیم. لحظه شروع درام در اغلب گونه‌های کلاسیک این هنر، لحظه آشفتگی است. لحظه از بین رفتن تعادل و آرامشی که محصول آن تعادل بوده است. این ویژگی درام در اتصال با مسائل انسانی و موقعیت‌های اجتماعی به ناچار خاصیتی انتقادی پیدا می‌کند. اگر درام نباشد ما بسیاری از مصایب و مشکلات خود را بیرون از جریان غافلانه زندگی روزمره تشخیص نمی‌دهیم و به طرز رقت‌انگیزی به آنها عادت می‌کنیم. پس در ذات درام نقد است و پس از نقد امکان اصلاح.

درام از لحظه آشفتگی و از بین رفتن تعادل آغاز می‌شود ولی همواره به تعادلی تازه می‌رسد و آرامشی نوین را نوید می‌دهد. پس درام در ذات خود نقاد اما مصلح و در نهایت امیدبخش است. همین مسأله هم هست که مدام هنر درام و نمایش را در قالب رسانه‌های نوین بازتولید می‌کند. پس از تئاتر درام در رادیو، تلویزیون، سینما، حالا در اینترنت و پلتفرم‌های دیجیتال، بازی‌های کامپیوتری و حتی فضای واقعیت مجازی تکثیر شده و ساختارها و اشکال نوینی پیدا کرده است. گویی هنرهای دراماتیک و نمایشی مواجهه ناگزیر و ذاتی انسان هستند با جهان پیرامون‌اش که به همان استعداد معجزه‌آسای تقلید و آموختن از تقلید در آدمی بازمی‌گردد. با این رویکرد باید از هنرهای دراماتیک و نگاه آنها به مصایب و دشواری‌های جامعه استقبال کنیم و هر چند که گاهی این نگاه ممکن است درست و دقیق نباشد، اما در نهایت به ما ایده‌هایی خواهد داد تا موضوع‌شناسی کنیم و به مسائل فردی و جمعی خود دقیق‌تر توجه کنیم.

اما خط دیگری از دوران مدرن و خاصه انتهای قرن بیستم در هنرهای دراماتیک به وجود آمد که می‌توان نام آن را درام آرامش نامید. شکلی از درام‌پردازی که وارث شاعرانگی و نگرش انفسی به این هنر است و در داستانگویی اهل خلاصگی و رفتن سراغ لحظات ساده و گاه پیش پاافتاده است. قالبی که در آثار نمایشی برخی درام‌نویسان جدید از جمله میشل دوویچ در دهه هفتاد شروع شد و به برنار ماری کلتس، ژان لوک لاگرس رسید و امروزه در نویسندگانی چون یون فوسه، ورونیکا اولمی و... ادامه یافته است. اما بیش از همه، این درام آرامش که با مینیمالیسم به نوعی همزاد است را می‌توان در سینمای مدرن بازیافت.

نمونه اعلای این نگاه را در آثار عباس کیارستمی تجربه کردیم خاصه در آن سه گانه لطیف کوکر، همچنین این روزها از نوری بیگلی جیلان ترک تا هونگ سنگ سو کره‌ای و همچنین فیلمسازان امریکایی و اروپایی متفاوتی خط درام آرامش را می‌توان پی گرفت. هنوز صورتبندی کامل ژانرشناسانه‌ای از این نوع درام و عناصر تشکیل دهنده‌اش انجام نشده است اما می‌توان گفت دوشادوش آن درام تنش، درام آرامش هم جریان دارد و بخصوص می‌توان این روند را در سینما به خوبی پی گرفت. هرجامعه‌ای احتمالاً برای رسیدن به آن آرمان تعادل نیاز به هر دوی این گونه‌ها دارد.

پاندمی‌ها در قاب سینما

پیشنهاد

اگر چه در فراز و فرودها جهان هنوز درگیر کروناست و با این درگیری زندگی می‌کند، تقریباً همه ما از خودمان و دیگران می‌پرسیم که این وضع تا چه زمانی ادامه پیدا می‌کند و بالاخره کرونا کی و چطور تمام می‌شود؟ اگر می‌خواهید راه حل‌های جهانی برای چنین شرایطی را ببینید سریال مستند «همه‌گیری جهانی: چگونه از شیوع جلوگیری کنیم؟» گزینه خوبی است. این سریال مستند ساخت تتفلیکس است و بخش‌های مختلف یک بیماری جهانی را بررسی می‌کند و شرایطی که به تبع آن به‌وجود می‌آید را مورد تحقیق و پژوهش قرار می‌دهد. مسائلی مثل چگونگی شیوع یک بیماری، راه‌های متوقف کردن آن، ساخت واکسن‌ها و پیدا کردن منشأ بیماری توسط ویروس شناسان، بخش‌هایی از این مستند است و تقریباً تمام سؤال‌هایی که درباره «کرونا» هم مصداق پیدا می‌کنند راجواب می‌دهد و کارگردان می‌خواهد بگوید در چنین همه‌گیری‌هایی قهرمانان راه مبارزه با این‌چنین بیماری‌هایی را چطور می یابند یعنی پزشکان و متخصصان چه می‌کنند و چطور پروسه شناخت، تحقیق و درمان را طی می‌کنند. اگر می‌خواهید بدانید که در همه‌گیری کرونا، مسیر چگونه طی شد و چطور به این مرحله رسیده‌ایم که به واکسیناسیون مجهز شده‌ایم تا قربانی‌های کمتری بدهیم حتماً این مستند را ببینید. فیلم داستانی اما عجیب دیگری هم در این زمینه وجود دارد که این دوسال اخیر، بارها و بارها دیده شد و درباره‌اش نوشتند؛ «شیوع»، فیلمی که در آن روزگاری که با سردی گیشه روبه‌رو شد، هیچ‌کس تصور نمی‌کرد عین‌به‌عین قرار است این ماجرا اتفاق بیفتد و افتاد. حالا این فیلم نه تنها نامش در بین پرتعدادترین جست‌وجوهای گوگل دیده می‌شود بلکه یکی از پرمخاطب‌ترین عناوین موجود در فروشگاه اپل هم هست. در «شیوع» شخصیت اصلی داستان، در پی دست دادن با آشپزی در هنگ‌کنگ به ویروس MEV-۱ مبتلا می‌شود. این ویروس از طریق لاشه یک خوک که توسط خفاشی گزیده شده به آشپز منتقل می‌شود و او بعد از بازگشت به خانه شدیداً مریض می‌شود و در فاصله کوتاهی می‌میرد. پسرش نیز بسرعت جان خود را از دست می‌دهد، اما معلوم می‌شود که همسرش، شخصیت مت دیمن، در برابر این ویروس مقاوم است و کم‌کم راه شناخت ویروسی که انگار خود «کووید» است پیدا می‌شود و کار به درمان می‌رسد. این دو فیلم را اگر ببینید حتماً هم به اطلاعات‌تان افزوده می‌شود و هم از دیدن فیلم‌هایی خوب که با شرایط کنونی جامعه جهانی شباهت‌های بسیار دارند، لذت می‌برید.

«همه‌گیری جهانی: چگونه از شیوع جلوگیری کنیم؟»

■ **کارگردان: داگ شولتز**
■ **بازیگر: سیرا ماد**
■ **محصول ۲۰۲۰**

هنرمندان در فضای مجازی

۲۲ روز تا پایان سال مانده است و هنرمندان از کارهای جدید و آینده خود می‌گویند. از سوی دیگر درگذشت یعقوب نادعلی باعث تأسف هنرمندان شد و از این هنرمند یاد کردند و از سوی دیگر هنرمندان همزمان با شروع درگیری روسیه و اوکراین با مردم این کشور همدردی کردند و خواستار صلح در جهان شدند.

■ **حسادت و دشمنی همچنان ادامه دارد**

مدتی است رسانه‌ها خبر ضرب و شتم کارگردان و نویسنده‌ای را منتشر می‌کنند. بعد از مدتی این حاشیه که به اسم امید شمس کارگردان فیلم «ملاقات خصوصی» که در بخش سودای سیمرغ چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر حضور داشت، مطرح شد. بتازگی کارگردان فیلم ضمن تکذیب این شایعه متنی در صفحه خود منتشر کرد: «تخریب فیلم ملاقات خصوصی همچنان ادامه دارد. متأسفانه حسادت و دشمنی‌ها همچنان ادامه دارد... فردی که به هیچ اصول اخلاق حرفه‌ای و صنفی پایبند نیست، از آغاز جشنواره فیلم فجر تاکنون، برای ضربه زدن به فیلم ملاقات خصوصی دست به هر اقدام ناجوانمردانه و ناشایستی زده و همچنان اخبار کذب و بی‌اساس را به هر شکل ممکن منتشر می‌کند. ماجرای خبر درگیری دو کارگردان (البته اگر اصل ماجرا صحت داشته باشد و از اساس به جهت تعدی به ساحت محترم هنر نباشد)، به هیچ عنوان ارتباطی با بنده ندارد. پیشنهاد می‌شود «ربط دادن این موضوع به بنده» را به‌عنوان ایده فیلم کمدی بعدی خود در نظر بگیرند، تا شاید این‌بار با اقبال مخاطبان روبه‌رو شده و این حسادت و کینه‌توزی‌ها پایان یابد.»

■ **چهره ها**

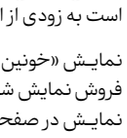

اشکان خطیبی که این روزها در حال اجرای نمایش «پزشک نازنین» و «چخوف‌خوانی زیر نظر نماینده فدراسیون روسیه» است با انتشار عکس نمایش «بینوایان» که در آن نقش ماریوس پون مرسی را داشت این نوید را داد که سال آینده هم در تئاتر فعال خواهد بود. او نوشت: خدا و کائنات!!! یاری کنند سال آینده براتون یه موزیکال می‌برم روی صحنه.»

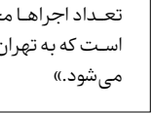

حسین نمازی که فیلمش در اکران عید قرار گرفته است با انتشار عکسی از فیلم نوشت: «اکران نوروزی فیلم «شادروان» قطعی شد. از ۱۸ اسفند قراره بازم با هم «شادروان» ببینیم و کلی کیف کنیم. توی ایام نوروز در سراسر ایران منتظرتونیم تا بیایید و یکی دو ساعت از همه چی فاصله بگیرید و لذت ببرید.»

هانا کامکار خبر از کارگردانی فیلم «ارژنگ ریتم و رنگ» داده است. قرار است نخستین اکران این فیلم ۱۹ اسفند ۱۴۰۰ در جشن تصویر سال باشد. این فیلم مستند درباره ارژنگ کامکار است. این دومین مستند هانا کامکار است که پژوهش درباره ساخت این مستند را از سال ۸۷ آغاز کرده است.

حجت اشراف‌زاده که این روزها به کرونا مبتلا شده در صفحه خود اعلام کرده است که اولین تجربه آواز خوانی خود را در تئاتر «ترانه‌های شرقی» انجام داده است: «این اولین تجربه آوازخوانی من در تئاتر است. در کنار عزیزانی که داستان‌هایی عاشقانه روی چند قطعه موسیقی خاطره‌انگیز و قدیمی به صحنه تئاتر آورده‌اند.» این نمایش به کارگردانی سید جلال‌الدین دری و به آهنگسازی پیمان خازنی در سالن شهرزاد اجرا خواهد شد. رحیم نوروزی، شبنم قلی خانی و امیر علی دانایی در این نمایش بازی دارند.

■ **چه خبر**

«این بخش اسمش «خنده‌سازان» است. یعنی چی؟ یعنی اینکه ما به شما کسانی معرفی می‌کنیم که طنازن و خنده به لبتون آوردن. ممکنه خیلی‌هاشون رو بشناسین ولی شرط می‌بندم بعضی‌هاشون رو نمی‌شناسین و اگرم بشناسین فکرشم نمی‌کردین که طناز باشن برای همین ما دست به کار شدیم تا بهتون معرفیشون کنیم.» این معرفی کوتاهی از برنامه طنز رادیو صبا ست در اینستاگرام که قرار است به زودی از این رادیو منتشر شود.

نمایش «خونین زار» به کارگردانی سهراب حسینی تمدید و پیش فروش نمایش شروع شد. این خبر را نسیم ادبی در جایگاه بازیگر نمایش در صفحه خود داده است.و نوشت: «خونین‌زار از دهم اسفند ساعت هشت در سالن شهرزاد به روی صحنه می‌رود و تعداد اجراها محدود است. این نمایش درباره دختری جوان است که به تهران مهاجرت می‌کند و با مشکلاتی دست به گریبان می‌شود.»

عکس نوشت

روز گذشته جلال مقامی دوبلور در صفحه خودش خبر درگذشت رفعت هاشم پور را اعلام کرد: «بازگشت همه بسوی اوست امروز همسرم بانو رفعت هاشم پور به رحمت خدا رفتند.»
گوینده نقش اسکارلت اوهارد در فیلم «برباد رفته»، مدیر دوبلاژ سریال «قصه‌های جزیره» و نقش خاله هتی روز گذشته جمعه هفتم اسفندماه در کرج بر اثر کهولت سن درگذشت. این هنرمند که از سال ۱۳۳۷ کار دوبله را شروع کرد در بسیاری از فیلم های خارجی و ایرانی گویندگی کرد.